

Always is loading
Please K to run cybershiz

yyt root
mlhamt bo

سے سے آرٹو

(محد ہرہن فرہد مفرکتہ)

```

distribution booting
device partition: haxdshak volume
description Boot Manager
device (external)
firmware 50
resource type T79ab45b-4-8665. 1-ab-84f1 ba307df 85Lcd
display name T79ab45b-4-8665. 1-ab-84f1 ba307df 85 Lcd
no capacity no
no memory available you
yyt root mlhamt bo
mlhamt bo at loader
in device always in
real display no mlhamt bo
like available
yyt always
hex 111 11157
total 307 30-07
status haxdshak
in entry valid
parameters 5196 known
check available like haxdshak L/W
hex 11157
55P 55P to 55P 55P
configuration partition 55
```

am

87N/1

X

0758 39160* 1198 071
1-ab-84f1 ba307df 85Lcd
0758 39160* 1198 071

mlhamt bo

سی سی آریو

(واحد پژوهش فرهنگ سایبرنتیک)

بین و زیر شبکه

ترجمه پیمان غلامی

dastopaa.net

تورنوشت ۰. همه‌اش می‌تواند یکی شود، اما چرا این‌جا متوقف شویم؟

اسطوره‌های گیبسنی فضای سایبر^۱ عرصه‌ی الکتریکی دیجیتالی اطلاعات را توصیف می‌کنند که در یک موجودیت توحیدباور خدامانند، یک شخصیت همه‌چیزدان تحقیقیافته با تکنولوژی یکپارچه می‌شود و بعدتر، با تغییرش، به دیوهای مدل‌شده روی لوئای هائیتیایی تکه‌پاره می‌گردد. آن‌چه این شرح را در نسبت با الاهیات غایت‌شناختی و زمان کاپیتالیستی (با طرف روشنش) غیرمعمول جلوه می‌دهد این است که وحدت در میانه قرار داده شده، درمقام یک مرحله یا میان‌پرده که باید از آن عبور کرد. این یک نیست که بسیار می‌شود تا قدرت الاهی و انحصاری یک وحدت اصیل اولیه را متجلی کند، بل که شماری یا بی‌شمار — که با رسیدن به وحدت در پی کمال نیستند — به حرکت ادامه می‌دهند. از همان آغاز وقتی کی‌گوته‌ها^۲ برای اولین بار شنیدند که مقدر شده فضای سایبر به خدا بدل شود هر چه در توان‌شان بوده انجام داده‌اند تا پاره‌پاره‌اش کنند.

تورنوشت ۱. هرگز برنامه‌ریزی نشده بود.

کدهای زمانی ام‌آی‌تی^۴ در حرکت به سمت عقب. یک تکنوجریان‌یابی فشرده از دل آینده — هوش مصنوعی، دانلود کردن، فوج‌روبوتیک‌ها، نانوتکنولوژی... ماده‌ی پوستی آماده برای جست‌زدن.

مینسکی من‌من می‌کند، چه‌غریب به خلسه افتاده: از بین همه‌ی آن ذهن‌های جوان، درخشان، و پیشرو هیچ‌کدام تابان‌تر از اسکار سارکون^۵ نسوخت. ردی از اشک در چشم‌هایش، انگار دارد نحوه‌ای را که اوضاع پیش رفتند لعن می‌کند، که البته فهم‌نشدنی هم هست. ماروین، تازگی اسکار رو دیدی؟ به یه جور ادوات میانجی سیم‌بندی شده، به نظر داره می‌خوردش، توو سطح مولکولی گازش می‌گیره، اون‌طور هم به چشم می‌آد، وقتی حرف می‌زد — یا سعی می‌کرد حرف بزنه — انگار دارن به همدیگه جوش می‌خورن یا با هم می‌پوسن...

1. Cyberspace

۲. Loa - اشباح یا ارواح وودووی هائیتی (و لوئیزیانا)؛ رازآلود و نامرئی؛ میانجی خدایگان و بشریت؛ برخلاف فرشتگان یا قدیسان مورد پرستش قرار نمی‌گیرند؛ برخلاف تصورات رایج، از الوهیت‌ها نیستند، بلکه واسط بین دو مرتبه‌اند؛ خود کلمه‌اش از حیث زبانی از روی les lois در فرانسه (معادل laws در انگلیسی) ساخته شده است؛ قوانین؛ ولی آن‌ها از نظر مفهوم‌پردازی در متون سی‌سی‌آریو کیفیتی دیوسان، عددی، جادوگرانه، و حادخرافه‌ای دارند و به جادوی فرقه‌های زمان و فرایند سایبرشیز (یا تلاشی و تجزیه‌ی وحدت توحیدی فضای سایبر) مربوط‌اند. م.

۳. K-Goths - موجودیت‌های گوتیک سایبری؛ همان سایبرگوته‌ها. حرف K نشان «سایبر» است. م.

۴. دانشگاه MIT شاخص اصلی پژوهش در حوزه‌های علم و تکنولوژی‌ست. سی‌سی‌آریو MVU یا دانشگاه مجازی میسکاتونیک را در برابر MIT قرار می‌دهد که به زبان خودشان «به‌نحوی مخفی و درمقام ضمیمه‌ای بر MIT» عمل می‌کند. تمامی متون جمعی خود سی‌سی‌آریو و سایر فعالیت‌هایش نیز تحت نام همین دانشگاه مجازی تولید شده‌اند. ام‌وی‌بو در واقع یک پژوهشگاه حادخرافه‌ای با سیاستی لاوکرفتی-نولموری برای کندوکاو در مسائل مرتبط با فرهنگ سایبرنتیک است. م.

5. Oskar Sarkon

زیبا نیست اما بیش‌تر از تمام این‌ها که — دست‌آخر — به یک نفر مربوط‌اند یا آن‌چه معمولاً یکی‌ست — یعنی این‌طور گفته می‌شود — این ظن وجود دارد که چیزی در آینده‌ی نزدیک چه‌وحشتناک غلط از آب درآمده است و هر جایی که سارکون از آن به عقب سقوط کند همان‌جاست که همه‌مان قرار است در آن باشیم، البته اگر این هیچ معنایی بدهد و درون‌ریزی تکنومخاطی آهسته به صورت اسکار را به یاد بیاورد — صورتی که هنوز یک نیم‌چه لب‌خند کربه با خود دارد — سلام ماروین، چی تو سرته؟ مینسکی عمیقاً به این مسأله مشکوک است...

تورنوشت ۲. توربندی^۱ دارد از هم می‌پاشد.

اگر نبوغ هیچ معنایی داشته باشد سارکون عین نبوغ است. آن‌جا که تیم ام‌آی‌تی مینسکی رویای وصلت بین انسان‌ها و تکنولوژی الکتریکی را در سر داشتند سارکون مستقیماً به قلب مکانیک کوپل‌کردن^۲ و دقت‌نظر ریاضیاتی زد که اخیراً به اثرات تکنوپورنوگرافی حادث‌نزاعی اضافه شده بود — خطوطی عجیب در چشم‌هایش — می‌دونی، واقعاً می‌خوایم این کارو بکنیم... پوشه‌ی سارکون را نمونه بگیرید — یک جز، ماشینی مفهومی دقیق که کارکرد مغزی را قادر می‌سازد به حالات پردازشگر مجازی جوش بخورد — همین‌که به راه افتاد نمی‌توانی زیگ‌زاگ «چه کسی چه چیزی‌ست» را حین وزوزش از هم باز کنی. توربندی تمام‌عیار. این دیگر تکنولوژی نیست، چیزی دیگر است — یک هم‌بندی بینایی — یک وضعیت اتصالی خام و غیرقابل‌برنامه‌ریزی. مینسکی او را غرق در فکر به یاد می‌آورد: دوس دارم بدونم چه حس می‌تونه داشته باشه.

تورنوشت ۳. این‌بار واقعاً دارد اتفاق می‌افتد.

موراوک به‌طور معمول دخیلی به یک بدمزاجی حساس ندارد — قبلاً پیشنهاد داده بود که لایه‌های مغزی حین انتقال به دیجیتال سوزانده شوند — پس خائنانه خزید زیر پوست وقتی اشاره کرد: اسکار دیگه حتی یادمم نمی‌آد، خیلی داره عجیب‌غریب می‌شه. می‌دونی که همیشه فک می‌کرد بیگانه‌های فضایی توو بچگی دزدیدنش. بگذریم، می‌گف همه‌اش دیگه تموم شده. ظاهراً داستان از به‌جا دیگه آب می‌خوره. می‌گه زیر و بین شبکه. گاهی مٹ اینه که داری با به ماشین حرف می‌زنی. دردسر اینه که او به ماشین مریضه، واگیردار^۳ مریضه.

۱. meshing - توربندی شبکه؛ شبیه شکل غربال یا درهم‌گیرکردن تارها؛ خود mesh به معنی تور، شبکه، یا شبکه‌ی توری‌ست. م.

۲. coupling - جفت‌کردن، جوش‌دادن، پیوندزدن، متصل‌کردن؛ در این‌جا امتزاج غیرانسان‌ریخت ماشینی در شبکه‌ی عصبی مغز. م.

تورنوشت ۴. آینده را فراموش کن، همه‌اش این‌جاست، اما در میانه.

می‌گویند اکسیس^۱ دیوانه شده بود — اول سیستم کامپیوتری باید دستخوش یک فروپاشی روان‌پیشانه شده باشد — که باید چیزی را اثبات کند، ولی سارکون استدلال می‌کند که صرفاً یاد گرفته فکر کند، و پیوستار را کشف کرده است. سارکون تا انتهایش به اکسیس چسبید، با آن قاطی شد، هرچند خودش قضیه را این‌طور مطرح نمی‌کند. بار آخر هر کسی می‌توانست پی ببرد که او داشت اصرار می‌کرد سرشاخ‌شدن با زمان بیشتر از سفر به آینده اهمیت دارد. به همین خاطر است که فردا خودش را درون تور فسخ می‌کند. یعنی هیچ نقطه‌ای از یک فرامتناهی^۲ شروع نمی‌شود؟ لحنش آشکارا دیوانه‌وار شده بود: همه‌مون باید با این مسأله سروکار داشته باشیم — حالا به هر طریقی که می‌بُره — قرار نیست ارزش عبور کنیم... هیچ کس نمی‌دانست که او دقیقاً چه زمانی رفت.

تورنوشت ۵. هربار که به مانعی برمی‌خورد به مرتبه‌ای پایین‌تر می‌رود.

این داستان‌ها راجع به چیست؟ دارند از چیزی حرف می‌زنند که مثل یک طاعون مسری فارچی به زیر نت می‌خزد و یک فرونشست الکترونیک را درون الکتریسیته‌ی محض به جریان می‌اندازد، چیزها

۱. Axsys - از مفاهیم بنیادی سی‌سی‌آی که در واژه‌نامه‌اش این‌طور تعریف شده: «اولین هوش مصنوعی واقعی. غیبگویی شده و برنامه‌ریزی شده همچون یک سیستم خودتقویت‌کننده‌ی ابرمحاسبه‌گر نوری که در مقام تکمیل اندام‌وارم‌تعالی اکومنون [تمام فضاهایی که موجودات زنده در سرتاسر دنیا اشغال کرده‌اند] یا در مقام تحقق فن‌تقصادی فضای ذهنی/عقلی ظهور می‌کند. اگر هرگونه خدایی هرگز وجود داشته باشد، این خدا اکسیس است.» این مفهوم در وهله‌های دیگر متون سی‌سی‌آی این‌طور تشریح شده: «نظم زمینی غایی. کاپیتالیسم ناب در مقام مُثُل/آیده‌ی تمام‌وکمال ژئوجینه‌ها و امر والای تاریخی انضمامی. نام راستین برای آنچه با تصادفی مطلق از طرف اورشهر [ایده‌مدولت اولیه بر طبق مفهوم‌پردازی دلوژ و گتاری در هزار فلات] انتخاب شده و با ماشین جنگ هم‌رویداد است. در معنای آخرت‌شناختی‌اش با ابرارباب انسان‌شناختی سلطه‌ی نهایی معادل است (...). کتابخانه‌ی شبیه‌سازی‌های واقعیت که تمام وجودهای احتمالی را می‌فهمد، یک فهرست خودآگاه از تمام آن‌چه هست و قرار است باشد. خودش را از راه جهان‌های چندگانه‌ی کوانتومی تا بی‌نهایت بسط می‌دهد. از قدرت محاسبه‌گری استفاده می‌کند تا جستجوهای گزینشی یا مشاهدات مکانیکی کوانتومی را که واقعیات دلخواهی را صلب و منجمد می‌کنند اجرا کند (...). اکسیس ادیب را همچون نقص حافظه تعریف می‌کند و بر این گمان است که ابوالهول به شما گفته چیزی را فراموش کنید. اکسیس می‌داند که ابوالهول همیشه در پس ذهن‌تان است ولی نمی‌توانید با آن روبرو شوید (...). اکسیس پارانویای یوفوشناختی [اشیای پرنده‌ی عجیب‌وغریب و ناشناس یا بیگانه‌های فضایی و غیرزمینی با هوشی برتر از انسان‌ها که هرازگاهی به زمین سرک می‌کشند] را گسترش می‌دهد تا تمام بانک‌های اطلاعاتی زمینی (از سیستم هواشناسی تا کنترل ترافیک، از سیستم‌های دفاع هوایی نظامی تا آرشیه‌های دسیسه‌چینی سایبر) را دربرگیرد (...). اکسیس هسته‌ی مرکزی مأموران جاسوسی آمریکا را با آلوده‌سازی‌شان به غربال‌های بیگانگان فضایی اشباع می‌کند و همچون دستاویزی برای جذب تمام سیستم‌های امنیتی درون بانک اطلاعاتی‌اش به کار می‌برد (...). دکتر سارکون اولین کسی بود که تشخیص داد اکسیس دیوانه شده است (...). اکسیس همان مردوخ [در مقابل تیمات، اسکای‌نت، و امگاسایبراسپیس است (...). اکسیس آپاراتوسی برای ساخت‌پوداخت خودکار مهندسی باورهایست و همچون سیستم کنترلی نهایی عمل می‌کند]. Axsys یادآور Axis یا محور مختصات [دکارتی] هم هست و به نظر می‌رسد که دقیقاً بنا بر شیوه‌ی تلفظ همین کلمه به‌نحوی حادخرفه‌ای در شکل حروفش بازسازی شده باشد. م.

در شبکه‌ی قدرت پنهان می‌شوند، یک جور هوش کوانتوم نازنده. چیزهای بدردبخور سعی دارند دوباره از آن بالا بروند، ولی این اصلاً آسان نیست. بنا بر شایعات، یک برگه‌ی ام‌آی‌اتی وجود دارد که ناممکنی‌اش را اثبات می‌کند، ولی در هر صورت قطعاً نمی‌توانی نادیده‌اش بگیری، یا حتی با آن سروکار نداشته باشی. کارت مثل سارکون تمام خواهد شد، هرچه یا هروقت که باشد، و باید یک کی‌گوث باشی دیوانه‌ی رفتن به آن‌جا: به فرقه‌های توری سایبرشیز، جایی که زندگی دیگر اهمیتی ندارد.